

محسن امینی طراح، تصویرگر و مدرس انیمیشن:

هدفم ثبت گوشه‌ای از هویت دیداری کرمان بود

من این درها را تابلوهای آسترهای دیدم

شرکت‌های فولادی از این پژوهش حمایت نکردند!

رحیم بنی‌اسدآزاد

هفته گذشته کتاب «نقش آهن» که پژوهشی بر نقوش درهای کرمان و نرده پنجره‌ها است و توسط «محسن امینی» و با همکاری «کیکاویوس کاظمی» و «ایمان امینی» توسط «مرکز کرمان‌شناسی» منتشر شده است رونمایی شد. کتابی که «محسن امینی» در آن به سراغ سوزهای رفته که خیلی از ما روزمره آنها را دیده و به سادگی از آن گذشته‌ایم و شاید اصلاً توجهی به آن نکرده‌ایم، اما آن‌ها چشم این هنرمند را گرفته و به ما هم نشان داده تا بگوید اطراف ما پر از زیبایی‌هایی است که از گذشتگان به ما رسیده، فقط باید ببینیم و آن‌ها را ثبت و ضبط کنیم کاری که او با این درها کرد. با او گفت وگویی درباره این کتاب کردم که می‌خوانید.

جناب امینی شما سراغ سوزهای رفتید که افراد زیادی روزانه آن را می‌بینند و به سادگی از کنار آن می‌گذرند، از این انتخاب و نگاه بگویید؟ سال ۹۱ و ۹۲ وقتی که در هنرستان هنرهای زیبا تدریس می‌کردم مسیر هنرستان تا خانه را پیاده می‌رفتم و اغلب دوست داشتم از کوچه‌ها و محله‌ها بروم. در محله «سلمان فارسی» و کوچه‌های کنار بیمارستان «راضیه فیروز» متوجه درهای زیبایی شدم، زیبایی که با توجه به معماری درون‌گرای ایرانی به درون خانه‌ها تعلق نداشت و چون تابلویی زیبا و آستره برای رهگذران بود. تصمیم گرفتم این درها که هر کدام تابلویی زیبا بود را ثبت کنم و به صورت یک مجموعه چاپ کنم.

برای همین تمامی محله‌های دهه ۴۰ و ۵۰ را به کمک همکارانم کوچه به کوچه بررسی کردیم و حدود ۲۰۰۰ عکس، تهیه شد که از میان این عکس‌ها ۱۰۰ عکس که نقش آن‌ها منحصر به فرد بود را انتخاب کردیم.

در بررسی نقوش چه جنبه‌ای بیشتر مد نظر شما بود، قدمت یا جنبه بصری و فرمی آن؟

به لحاظ قدمت، همه مجموعه مربوط به دوره پهلوی اول و دوم است یعنی زمانی که معماری ایرانی از سنت‌هایش فاصله می‌گرفت و با معماری جهانی تلفیق می‌شد، و همچنین مصالح جدید وارد معماری



می‌شد. این درها نیز نتیجه کاربرد آهن به جای چوب است، اما هنوز نگاه ایرانی در آن‌ها جریان دارد، نگاهی عارفانه که هر چیز را به زیبایی می‌خواهد.

به لحاظ هویت دیداری و فرم هم بسیار منحصر هستند. نقوش‌هایی بی‌نظیر که خاص مردم کرمان است و حالا تبدیل به بخشی از میراث دیداری شهر شده است. تصویرهایی از سروها، نخل‌ها، گل‌ها و حتی پیکره‌ی آستره زن‌ها با استفاده از گل‌ها که به لحاظ اجرا بسیار ماهرانه و دقیق کار شده است و تناسب درستی دارند.

شما تصویر سازی و انیمیشن کار می‌کنید، این نقوش چه ارتباطی به رشته و حوزه کاری شما داشت و آیا می‌توان به ارتباطی رسید؟

تصویر این درها به عنوانی جزئی از یک کل، از یک فرهنگ و هویت به نام کرمان است، من این درها را تابلوهای آسترهای دیدم که در کوچه‌ها و محله‌ها خودنمایی می‌کردند و هر یک نشان دهنده ذوق و فرهنگ سفارش دهنده و سازنده آن بود، گاهی ساده و گاهی پر پیرایه.

منابع شما برای این پژوهش چه بود و چه جنبه‌ای از آن‌ها بیشتر مد نظر شما بود و پر رنگ شد؟

پژوهش بر اساس عکس‌هایی بود که به صورت میدانی و کوچه به کوچه تهیه کردیم. عکاسی درها را «کیکاویوس کاظمی» بر عهده داشت. عکس‌ها به گونه‌ای بود که پرسپکتیو نداشته باشد تا نقش درها به خوبی مشخص باشد، اما برای درک بهتر، نقوش درها ترسیم شد که کار ترسیم را «ایمان امینی» انجام دادند. در نهایت با توجه به فرم نقوش و

هم می‌تواند با الگوگیری از این مجموعه طراحی شهری انجام دهند و در جاهایی مثل نرده‌های جدا کننده پارک‌ها، خیابان‌ها، ادارات و... استفاده کنند.

در مسیر پژوهش به چیزهایی رسیدید که از روز اول فکرتان را نمی‌کردید؟

تنوع بی‌نظیر نقوش‌ها؛ بعضی نقوش ریشه در اساطیر داشت چون تکرار نقش گردونه مهر، بعضی با توجه به هنر معاصر آن زمان طراحی شده بود شبیه به جنبش پاپ آرت و یا آرت دکو و هنر انتزاعی؛ بعضی هم به طبیعت کرمان نزدیک بود. نقوش سروها و نخل‌ها؛ تناسب در به عنوان کادر با نقوشها و ترکیب بندی آن‌ها درون کادر، در هم چنان بود که هنرمندی ماهر باید طراح نقوش‌ها باشد؛ حتماً اگر این درها در موقعیت جغرافیایی دیگری بود مورد توجه و مراقبت و نگهداری قرار می‌گرفت.

از چالش‌های این کار هم بگویید و آیا برنامه‌ای برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه دارید؟

گسترده‌گی و حجم کار نیاز به گروه پژوهشی داشت که خوشبختانه این گروه شکل گرفت و کار تالیف و تدوین کتاب به درستی انجام شد. خصوصاً که کتاب، درهای خانه‌ها را به صورت ویژه‌تری مورد بررسی قرار داده، زیرا سلیقه جمعی تصویری کرمانی‌ها در این درها دیده می‌شود. در طول پژوهش سعی شد سازندگان درها و یا کارگاه‌های سازنده هم شناسایی شود که با توجه به تعدد استادکاران و کارگاه‌های سازنده، این امکان وجود نداشت. با توجه به هزینه‌های پژوهش و چاپ در انتهای کار به چند شرکت فولاد برای پشتیبانی کار مراجعه کردم که مورد بی‌توجهی قرار گرفت. مثل اینکه سهم کرمان از فولاد فقط آلودگی هوا و محیط زیست، مصرف فاضلاب‌های شهری و فرسودگی جاده‌ها و سازه‌های شهری چون پل‌هاست که در جایجایی محصولات فولادی در چرخه تولید صورت می‌گیرد. در حال حاضر روی یکی دیگر از تصویرهای منحصر و ویژه کرمان در حال کار هستیم که در آینده‌ای نزدیک رونمایی خواهد شد. امیدوارم این پژوهش برای پژوهش‌گران حال و آینده مفید باشد.



خبر

در دانشگاه باهنر کرمان؛

مراسم یادبود

دکتر ماهبانو تانا بر گزار شد



گروه جامعه: مراسم اولین سالگرد درگذشت شادروان دکتر ماهبانو تانا، مادر علم آمار در ایران، عضو هیأت علمی، خیر و حامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، روز دوشنبه ۱۵ مردادماه جاری با حضور رئیس دانشگاه، برخی استادان و علاقه‌مندان، و با مشارکت جامعه زرتشتیان کرمان برگزار شد.

دکتر «ماهبانو تانا» استاد پیشکسوت و بازنشسته آمار دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۵ مردادماه سال گذشته پس از یک دوره بیماری در سن ۸۱ سالگی در کرمان درگذشت. روانشاد دکتر تانا که هندی‌تبار و زرتشتی بود پنجاه سال پیش به ایران مهاجرت کرده بود.

او در سال‌های پایانی حیات خود، یک واحد آپارتمان در تهران را به انجمن آمار ایران و بخش آمار دانشگاه باهنر اهدا کرد تا برای تأمین اعتبارات جایزه «دکتر تانا» ویژه بانوان استادی و فارغ‌التحصیلان جوان فعال در زمینه ترویج آموزش آمار، ترویج پژوهش آمار و... هزینه شود.

شادروان تانا، همچنین منزل خود در کرمان را به بیمارستان خداداد مهرایی اهدا کرده است.

به گزارش استقامت، در مراسم بزرگداشت دکتر تانا، رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان، دکتر رجبعلی پور، نیک‌بخش رئیس انجمن زرتشتیان کرمان، دکتر ماشینی، خانم امینایی از دانشجویان و دوستان دکتر تانا و آقای دکتر محتشمی‌پور از دانشجویان سابق دکتر تانا درباره او صحبت کردند.

وزیر علوم دکتر زلفی‌گل نیز به همین مناسبت پیام داده بود که در مراسم قرائت شد. در بخشی از این پیام با اشاره به نقش دکتر تانا در توسعه علم آمار در ایران آمده بود: «این استاد فرهیخته، تمام همت خود را به کار گرفت تا علاوه بر فراهم نمودن زمینه توسعه علم آمار در ایران، با انتقال دانش خود به نسل‌های نخبه و جوانان مستعد، زمینه ترویج این علم را فراهم آورد. تلاش‌های بی‌وقفه این بانوی دانشمند طی ۵۰ سال اخیر موجب شد که از سوی مجامع علمی به‌عنوان مادر علم آمار در ایران معرفی شود.»

در این نشست همچنین چندین کلیپ از صحبت‌های دکتر تانا و کلیپ مراسم تشییع او، اثر عکاس هنرمند مظفر طاهری پخش شد.

پخش صحبت‌های دکتر راسخ رئیس انجمن آمار ایران از طریق تصویر ویدئویی از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

خبرنگار چشم بینا و بیدار جامعه است

۱۷ مردادماه

روز خبرنگار را گرامی می‌داریم

شرکت معدنی و صنعتی کمر زمین (سهام عام)
روابط عمومی و امور بین الملل

